

عنوان و نام پدیدآور: جان پیامبر / گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضی، ۱۳۹۱.
 شابک: 978-600-299-005-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- احادیث
 شناسه افزوده: آستان قدس رضی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱۳/۳۷BP ج۲/
 رده بندی دیوبی: ۹۵۱/۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۸۲۰۸۰



۱۱ → جان پیامبر

نویسنده: علی رضا مستشاری
 آستان قدس رضی
 چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲
rahnama@aqrazavi.org

به کوشش: محمدحسین پورامینی
 ویراستار: محمد مهدی باقری
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



جان پیامبر ﷺ

در پی پاسخ به پرسش‌های زیر، نوشته حاضر فراهم آمده است:

۱. در آیه مباهله، منظور از «جان» و «خود» پیامبر کیست؟
۲. حدیث «ده فضیلت»، به نقل از ابن عباس، چه فضایی را از زبان پیامبر خاتم ﷺ برای علی‌بی‌ابی طالب علیه السلام بازگو می‌کند؟
۳. سند برادری محمد و علی علیه السلام چیست؟
۴. چرا نفاق و حبّ علی علیه السلام با هم جمع‌پذیر نیستند؟





درآمد

شناخت ابعاد بی‌انتهای وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام شایسته قرن‌ها بررسی و کشف و بازخوانی و بازنمایی بوده و هست و خواهد بود. او بی‌اغراق چهارراه تاریخ اسلام است و در بطن و متن هر رخداد و مسئله اسلامی می‌توان حضور یا سایه وجودش را دید. در این چند صفحه مختصر، به اقتضای فشرده‌بودن مجال، هفت جنبه از صدها جنبه وجودی مولای جوانمردان عالم را به تصویر می‌کشیم:



۱. نفس پیامبر

شخصیت قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام کم نظیر است. به این آیه بنگرید: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.) (= پس هر کس با تو در او (عیسی) محاجّه کند، بگو بیاید بخوانیم پسران ما و پسران شما را و زنان ما و زنان شما را و نفوس ما و نفوس شما را. بعد تضرّع کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم).^۱ در این آیه، نکاتی برای اهل نظر وجود دارد که به دو نکته، با اغماض از شرح، اشاره می کنیم:

۱. آنچه بزرگان تفسیر و حدیث بر آن متفق اند، این است که مراد از ابنا، حسن و حسین علیهما السلام و مراد از نساءنا فاطمه زهرا علیها السلام و مراد از انفسنا علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۲ در این باره حدیثی را ذکر

۱. آل عمران، ۶۱.

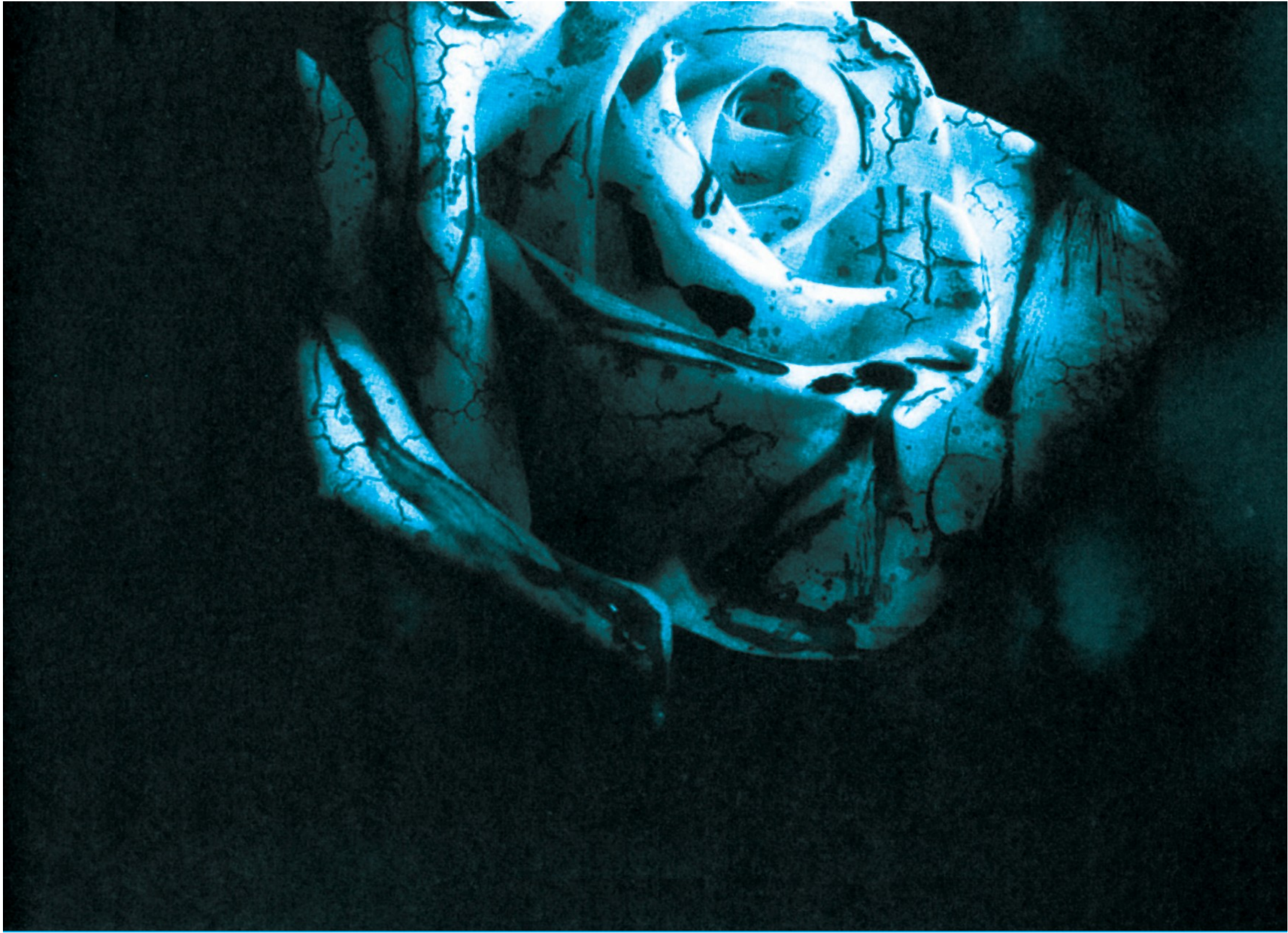
۲. الترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۰۲؛ الاحوذی، تحفه، ج ۸، ص ۲۷۸؛ معرفة علوم الحديث، ص ۴۹؛ نظم در السمتین، ص ۱۰۸؛



می‌کنیم که فخر رازی در تفسیر آیه مذکور آورده است. خلاصه آن چنین است:

هنگامی که رسول خدا ﷺ دلایل را بر نصارای نجران اقامه کردند و آن‌ها بر جهل خود اصرار داشتند، فرمودند: «خدا به من امر کرده است که اگر حجت را قبول نکنید، با شما مباحله کنم.» گفتند: «یا بالقاسم، برمی‌گردیم و در کار خود نظر می‌کنیم. بعد نزد تو می‌آییم.» چون باز گشتند، به عاقب که صاحب‌رای آن‌ها بود، گفتند: «یا عبدالمسیح، تو چه می‌بینی؟» گفت: «ای جماعت نصارا، شما معرفت پیدا کردید که محمد نبی مرسل است و کلام حق را در امر عیسی برای شما آورده. به خدا قسم، هرگز قومی با پیغمبری مباحله نکردند که کبیر آن‌ها زنده بماند و صغیرشان پرورش یابد. اگر چنین کنید، مستأصل می‌شوید. اگر اصرار دارید که دست از دینتان برندارید، با او وداع کنید و به شهرهای خود برگردید.»

فتح الباری، ج ۷، ص ۶۰؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۴۰۸؛ الجامع الاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۰۴؛ البغوی، تفسیر، ج ۳، ص ۳۶۱؛ تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۱۸۸.





روز قرار فرا رسید. رسول خدا ﷺ بیرون آمدند. حسین علیّه را در آغوش گرفته و دست حسن علیّه را گرفتند و فاطمه علیّه پشت سر آن حضرت و علی علیّه پشت سر فاطمه علیّه حرکت کردند. به آنان فرمودند: «چون دعا کردم، شما آمین بگویید.»

اسقف نجران گفت: «ای جماعت نصارا، چهره‌هایی می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جای خود بردارد، به آن وجوه و رخساره‌ها از جا برمی‌دارد. مباحله نکنید که هلاک می‌شوید و تا قیامت بر روی زمین نصرانی نخواهد ماند.» به این ترتیب، مسیحیان از مباحله شانه خالی کردند و به صلح راضی شدند.

۲. کلمه افسناً (= جان پیامبر)، دلیل خلافت بلا فصل امیرمؤمنان علیّه است؛ زیرا با وجود شخصیتی همچون جان پیامبر ﷺ، بنابر نص کتاب، جانشینی شخص دیگری معقول نیست.



۲. ده فضیلت

در کلام نورانی رسول خدا ﷺ نیز فضایل فراوانی برای علی بن ابی طالب علیه السلام ذکر شده است که در اینجا، به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. حدیثی هست که اهل سنت به صحت سند آن اعتراف کردند. خلاصه آن حدیث این است که جمعی نزد ابن عباس آمدند و به امیرمؤمنان علیه السلام ناروا گفتند. ابن عباس گفت: ناروا به کسی می‌گویند که برای او ده فضیلت است که برای احدی نیست:

۱. در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند، رسول خدا ﷺ فرمودند: «کسی را می‌فرستم که هرگز خدا او را خوار و ذلیل نکرد. او خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول دوستدار اویند.» همگی گردن کشیدند که بدانند چنین کسی کیست. پس فرمودند: «علی کجاست؟» آن حضرت با چشم بیمار آمدند. بعد از شفای چشم ایشان به دست رسول خدا ﷺ، پیامبر رأیت را سه مرتبه به اهتزاز درآوردند و به دست علی علیه السلام دادند.



۲. رسول خدا ﷺ فلانی را با سوره توبه به جانب مشرکان فرستادند. سپس، علی علیه السلام را پشت سر او فرستادند، سوره را از او گرفتند و فرمودند: «سوره را نمی برد؛ مگر مردی که از من است و من از اویم.»

۳. رسول خدا ﷺ فرمودند: «کدامیک از شما با من در دنیا و آخرت موالات می کند؟» کسی نپذیرفت. به علی علیه السلام فرمودند: «تو ولی من در دنیا و آخرت هستی.»

۴. علی علیه السلام اولین کسی بودند که به رسول الله ﷺ ایمان آوردند.

۵. پیامبر ﷺ جامه خود را بر چهار نفر انداختند: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. سپس فرمودند: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا.»^(۱)

۶. علی علیه السلام کسی بودند که جان خود را برای جان رسول خدا ﷺ فدا کردند. ایشان جامه





پیامبر ﷺ را پوشیدند و شب بر جای ایشان خوابیدند.

۷. در غزوة تبوک، پیامبر ﷺ علی علیه السلام را در مدینه به جای خود گذاشتند. چون از فراق رسول خدا ﷺ در آن سفر گریه کردند، پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا راضی نمی شوی که منزلت تو نسبت به من، همان منزلت هارون باشد نسبت به موسی؟ پس از من پیغمبری نیست. همانا سزوار نیست که من بروم؛ مگر اینکه تو خلیفه من باشی.»

۸. محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: «تو بعد از من، ولی هر مؤمن و مؤمنه هستی.»

۹. رسول خدا ﷺ تمام درهائی که به مسجد آن حضرت باز می شد، بستند؛ جز در خانه علی علیه السلام.

۱۰. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ. (= هر که من مولای اویم، علی

مولای اوست.)^۱

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۳۰؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۱۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۹۷؛ فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۸۲؛ خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۶۲.



۳. برادری

چون هارون برادر موسی علیه السلام بود، این منزلت را خدا برای علی علیه السلام به عقد اخوت محقق کرد. روایات عامه و خاصه در این موضوع بسیار است که فقط به یک روایت اکتفا می‌کنیم: عبدالله بن عمر گفت: چون پیغمبر به مدینه وارد شدند، بین اصحاب، اخوت و برادری برقرار کردند. پس علی علیه السلام با چشم گریان آمد و گفت: «یا رسول الله، اصحابت را برادر کردی و مرا با کسی برادر نکردی.» فرمود: یا علی، أنت أخی فی الدنیا والآخرة.^۱

این اخوت آشکار می‌کند که مقام حضرت علی علیه السلام هنگام نزول آیه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ)،^۲ از هر مؤمنی رفیع‌تر و والاتر بوده است؛ زیرا بر حسب مدارک سنی و شیعه، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

۱. یا علی، تو در دنیا و آخرت برادر من هستی. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴؛ الترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۰۰، رقم ۳۸۰۴؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹؛ البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۲؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۲۱۱.
۲. به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند. حجرات، ۱۰.



میان اصحاب بر حسب منزلت ایشان اخوت برقرار کردند: آن چنان که بین ابوبکر و عمر، عثمان و عبدالرحمن، ابی عبیده و سعد بن معاذ و...^۱ حضرت علی علیه السلام را نیز برای اخوت با خود برگزیدند. بنابراین چگونه ایشان در مرتبه اشرف فرزندان آدم نباشد و حال آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اخوت با ایشان در دنیا و آخرت تصریح کرده‌اند.

۴. یک‌دویی

رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت فرمودند: انت منی و انا منک. (= تو از من هستی و من از تو هستم).^۲ این حدیث را بخاری و غیر از او، دانشمندان بزرگ اهل سنت، ذکر کرده‌اند.

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴ و ۳۰۳؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۰۵ و مصادر دیگر عامه.

۲. البخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۶۸، کتاب الصلح باب کیف یکتب هذا؛ البخاری، صحیح، ج ۴، ص ۲۰۷، باب مناقب علی بن ابی طالب؛ البخاری، صحیح، ج ۵، ص ۸۵، باب عمرة القضاء؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۱۵؛ احمد بن حنبل،





۵. علی و قرآن

بزرگان اهل سنت به صحت این حدیث اعتراف کرده‌اند که حضرت رسول ﷺ فرمودند: علیّ مع القرآن و القرآن مع علیّ لن یترفا حتی یردا علیّ الحوض. (= علی با قرآن است و قرآن با علی. هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر من، در حوض وارد شوند).^۱

۶. آزار علی، آزار نبی

احمد بن حنبل می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمودند: مَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي. (= هر که علی را

مسند، ج ۵، ص ۱۰۸ و ۲۰۴؛ ابن حبان، صحیح، ج ۱۱، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۵.
 ۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۴؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۵۵؛ المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۵؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛ فیض القدیر، ج ۴، ص ۴۷۰؛ سنبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۱۶۹ و مصادر دیگر عامه.



بیازارد، درواقع مرا آورده است.^۱ این حدیث در بسیاری از منابع اهل سنت نقل شده است؛ از جمله صحیح نوشته ابن حبان، المستدرک نوشته حاکم نیشابوری، الاصابه نوشته ابن حجر و اسد الغابه نوشته ابن اثیر.^۲ متقی هندی این روایت را در کتاب کنز العمال از ابن شبیه و احمد بن حنبل نقل کرده است.^۳ بخاری در تاریخ خود و طبرانی و دیگران نیز این حدیث را آورده‌اند.^۴

۷. مرز نفاق

مسلم در صحیح خود، با تأکید و سوگند، روایتی از علی عليه السلام نقل کرده است که آن حضرت

۱. احمد بن حنبل، مسند، ۴۸۳/۳.

۲. ابن حبان، صحیح، ۳۶۵/۱۵؛ المستدرک، ۱۲/۳؛ الاصابه، ۵۳۴/۴؛ اسد الغابه، ۱۱۴/۴.

۳. کنز العمال، ۶۰۱/۱۱.

۴. المستدرک، ۱۲/۳؛ مجمع الزوائد، ۱۲۹/۹؛ در اسد الغابه و الاصابه نیز در شرح حال عده‌ای از ائمه عليهم السلام نقل شده است.



فرمودند: والذي فلق الحبة وبرأ النسمة! إنه لعهد النبي الامى إلى أن لا يجنبى إلا مؤمن ولا يبغي إلا منافق.
(= سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید. عهد و پیمانی است از پیامبر امی به من: جز مؤمن مرا دوست نمی‌دارد و جز منافق مرا دشمن نمی‌شمارد.)^۱ این روایت، با همین متن و نظیر آن، در منابع بسیاری از پیشوایان اهل سنت نقل شده است؛ از جمله نسایی و ترمذی و ابن‌ماجه.^۲ همچنین، احمد در مسند و حاکم نیشابوری در المستدرک و متقی هندی در کنز العمال، آن را نقل کرده‌اند.^۳ در مسند احمد و صحیح ترمذی این گونه آمده است: ام سلمه گوید که پیامبر خدا ﷺ همواره می‌فرمودند: لَا يَحِبُّ عَلِيًّا مُنَافِقٌ وَلَا يَبْغِيهِ

۱. مسلم، صحیح، ۶۱/۱؛ کتاب الایمان، باب بیان اطلاق اسم الکفر علی من ترک الصلاة.

۲. ابن‌ماجه، سنن، ۴۲/۱؛ نسایی، سنن، ۱۱۷/۸؛ ترمذی، سنن، ۲۹۹/۵.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ۸۴/۱، ۱۲۸؛ کنز العمال، ۱۲۰/۱۳، شماره ۳۶۳۸۵.



مُؤْمِنٌ. (= منافق هرگز علی را دوست نمی‌دارد و مؤمن، هیچ‌گاه او را دشمن نمی‌شمارد).^۱
از این احادیث، چنین استنباط می‌شود که دوست داشتن علی علیه السلام با دوستی منافقان جمع نمی‌شود. بنابراین، اگر کسی به امامت علی علیه السلام و ولایت آن حضرت پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معتقد باشد، ولی منافقان را دشمن نداند، خودش منافق است و از جانب هر دو گروه، مؤمنان و منافقان، رانده خواهد شد؛ چراکه از یک‌سو، منافقان به ولایت علی علیه السلام معتقد نیستند و این فرد، معتقد است و از سوی دیگر، علی علیه السلام منافقان را دوست نمی‌دارد و این فرد، منافقان را دشمن نمی‌داند.

بنابراین، در هیچ حالی و به هیچ شکلی، این دو موضوع با یکدیگر جمع نمی‌شود. پس

۱. در صحت این حدیث، خوب است بدانید که علامه ذهبی، از علمای بزرگ اهل سنت، در صفحه ۳۳۵ از جلد هشتم کتاب خود، سیر اعلام النبلاء، حدیث من کنت مولاة فعلی مولاة را متواتر و قطعی دانسته است. با وجود این، حدیث لایحب... را از آن صحیح‌تر می‌داند.



باید صاحب مذاهب مختلف، نظر خود را درباره هر کس که در جنگ جمل و صفین شرکت کرده است، اصلاح کنند. افزون بر این، همه احادیثی که یکی از عوامل این دو جنگ، جزو سلسله راویان آن است، از وثاقت و حجیت خواهد افتاد.

نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.